

امنیت ملی و تحدید حقوقی آن

حسن ره‌پیک*

مقدمه

مطالعه و تحقیق در حوزه‌های مرتبط با دولت و حاکمیت را باید از جمله مطالعات میان رشته‌ای به‌شمار آورد که با توجه به موضوع مورد بررسی، علوم و گرایش‌های مختلف علمی در تبیین آن مشارکت و دخالت دارند.

موضوع امنیت ملی از مهمترین و برجسته‌ترین مصادیق این سخن می‌باشد که رشته‌های مختلف مانند علوم سیاسی، حقوق و علوم اجتماعی، ریاضی و آمار، مدیریت، مهندسی و علوم زیست محیطی با سطوح گوناگون آن ارتباط پیدا می‌کنند و همین امر از جهت دیگر این موضوع را پیچیده می‌سازد. به دلیل آن که شناخت مفهوم و مصادیق امنیت ملی و تهدیدات آن به دلایل متعدد با دشواری زیادی مواجه است، اندیشه‌گران و تصمیم‌سازان این حوزه در صدد عرضه

* دکتر ره‌پیک عضو هیأت علمی دانشگاه و رئیس پژوهشکده مطالعات راهبردی می‌باشند

شناخت مفهوم و مصادیق امنیت ملی به دلایل متعدد با دشواری زیادی مواجه است. به‌طور کلی امنیت ملی اصطلاحی است که معمولاً در متون سیاسی و اجتماعی و حقوقی به کار می‌رود. نویسنده بر این باور است که در تبیین و تغییر امنیت ملی در کشورهای جهان سوم به علت وضعیت سیاسی - اقتصادی حاکم بر آنها در تعریف امنیت به بُعد داخلی آن توجه می‌شود و تهدیدات درونی در اولویت قرار می‌گیرد. در کنار تعبیر امنیت ملی از اصطلاحاتی همچون منافع ملی، منافع حیاتی، ارزشهای اساسی یک دولت یا ملت در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز استفاده می‌شود که فهم همه آنها مهم است. نویسنده مقاله در ادامه بحث برخی از مقدمات حقوقی را به صورت کلی و فشرده ذکر کرده و بیان می‌کند که امنیت ملی از مفاهیمی است که برای وصول به آن مصادیق خود یا بالعکس مصادیق امنیتی برای دستیابی به مفهوم و اصول امنیتی از شبکه‌های پیچیده‌ای گذر می‌کنند. استخراج اصول کلی اولویت‌بندی شده از قانون اساسی بخش پایانی این مقاله است که نویسنده به منزله شاهد می‌آورد.

ملاکها و شاخصهایی برای روشن ساختن این موضوع برآمده‌اند. یکی از ملاکها و در واقع روشهایی که از آن به‌طور عملی در این خصوص استفاده می‌گردد ملاک یا روش حقوقی و قانونی است. به عبارت دیگر تعیین ضوابط حقوقی و مقررات قانونی می‌تواند همچون وسیله‌ای مناسب و سودمند هدف فوق را تأمین کند. البته همان‌گونه که مشاهده خواهد شد علاوه بر ملاک فوق با توجه به نظام سیاسی، فرهنگی و حقوقی هر کشور می‌توان از معیارها و ضوابط دیگری نیز بهره برد اما در این نوشته کوتاه تأکید بر طرح ملاکهای حقوقی در تحدید مفهوم امنیت ملی بوده است.

الف) مفهوم و ویژگیهای امنیت ملی

امنیت ملی اصطلاحی است که معمولاً در متون سیاسی و اجتماعی و حقوقی به‌کار می‌رود. این اصطلاح درعین اهمیت، دارای ابهام و تسامح است و همچون برخی از مترادفهای خود به‌آسانی کاربردش قابل تفسیر و معنا کردن نیست. (۱)

امنیت ملی پس از جنگ جهانی دوم در معانی وسیعی بین ملل مختلف به‌کار رفته است. معنای روشن آن، حفظ مردم یک کشور و سرزمین در مقابل حمله فیزیکی و به معنای سنتی، «دفاع» بوده است و در معنای وسیع‌تر بر حفظ منافع حیاتی سیاسی و اقتصادی و فقدان تهدید نسبت به ارزشهای اساسی و حیاتی یک دولت اطلاق می‌گردید. (۲)

تفسیر این مفهوم به‌شدت نسبی است و به اعتبار شرایط و اوضاع متفاوت از دگرگونی و تحول برخوردار می‌گردد و حتی در یک کشور خاص ممکن است در طول زمان تفسیر و تقریرات مختلفی از آن صورت گیرد. در کشور آمریکا، تعریف کلی و وسیعی که در دوران جنگ سرد از امنیت ملی مطرح می‌شد عبارت بود از:

«حیات ایالات متحده چونان ملتی آزاد و مستقل و شیوه زندگی امریکایی درحالی تعالی خواهد یافت که ارزشهای بنیادی آن مخدوش نشود و نهادها و مردم ایمن باشند؛ نظام اقتصادی امریکا حفظ شود و رشد یابد و جهان استوار و امن باشد به‌نحوی که آزادی سیاسی و اقتصادی، حقوق بشر و نهادهای دموکراتیک موجود باشند». (۳)

در این دوران جنبه‌های نظامی امنیت ملی برای کشور آمریکا از اهمیت بالایی برخوردار بود اما پس از جنگ سرد تغییراتی در تفسیر امنیت ملی و منافع ملی پیدا شد. نای در این

زمینه می‌گوید:

«به‌طور سنتی بزرگی قدرت را در برتری در جنگ می‌دانستند اما امروزه تعریف قدرت، تأکید خود بر نیروی نظامی را از دست داده است. عوامل تکنولوژی، آموزش و رشد اقتصادی اهمیت بیشتری در قدرت بین‌المللی پیدا کرده‌اند، امنیت ملی پیچیدگی بیشتری پیدا کرده است به‌طوری که تهدیدات از نظامی به اقتصادی منتقل شده است.» (۴)

به اعتقاد برخی از سیاستمداران، پس از جنگ سرد، اقتصاد در قلب استراتژی امنیت ملی امریکا قرار گرفته است. (۵) به دلیل ویژگی نسبی بودن در برخی از کشورهای اروپایی همچنان بر مسأله تهدید نظامی تأکید می‌شود و امنیت به مثابه شرایطی که در آن تهدید نظامی خارجی و اشکال مختلف فشار سلاح‌های هسته‌ای به حداقل برسد شناخته شده است. (۶)

در مقابل، در برخی از کشورهای اروپایی مثل آلمان تغییر نگرش از تسلیحات به اقتصاد به دلایل مختلف از دو دهه پیش مطرح شده است، به طوری که صدراعظم آلمان در سال ۱۹۷۷ در بیان معنای امنیت ملی به بعد اقتصادی آن اشاره می‌کند و با ذکر مصادیقی از این بعد، از معنای سنتی - نظامی امنیت ملی فاصله می‌گیرد. (۷)

ب) مؤلفه‌های امنیت ملی

در تبیین و تفسیر امنیت ملی در هر کشور باید به مجموعه شرایط آن کشور توجه کرد. به همین دلیل غالباً در کشورهای جهان سوم به علت وضعیت سیاسی - اقتصادی حاکم بر آنها در تعریف امنیت به بعد داخلی آن توجه می‌شود و تهدیدات درونی در اولویت قرار می‌گیرد، (۸) اما در کشورهای دارای اقتدار سیاسی و اقتصادی به ابعاد خارجی امنیت نگریسته می‌شود، به طوری که در امریکا، امنیت ملی با عنایت به امنیت و منافع کشورهای دیگر تعریف می‌گردد (۹) و به همین جهت رابطه سیاست خارجی و امنیت ملی در این کشور بسیار نزدیک است. (۱۰) حتی این تعریف از امنیت ملی می‌تواند به صورت فرهنگ عمومی و سیاسی در جامعه مطرح گردد. در سال ۱۹۹۴ در یک نظرخواهی در مورد وجود منافع حیاتی^۱ برای امریکا در کشورهای دیگر نتایج زیر

منتشر شد که جهت آگاهی در زیر می آید: (۱۱)

کشور	کره شمالی	هائیتی	بوسنی	رواندا
درصد	۶۳	۳۸	۳۱	۱۸

این نوع نگرش به امنیت ناشی از اصول امنیتی^۱ خاصی است که ممکن است با مبانی ایدئولوژیکی (صرف نظر از جنبه ارزشی آن) آمیخته شده باشد و همان گونه که در آینده مشاهده خواهد شد در مورد اصول امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مشابه آن یافت می شود.

البته به علت خصوصیات ذکر شده برای مفهوم امنیت ملی از جنبه نظری در کشورهای مثل آمریکا نیز در سالهای اخیر برداشتهای مختلفی از تهدیدات امنیتی وجود داشته است و به دلیل بروز مشکلات داخلی، تهدیدات داخلی نیز برجسته شده است. اختلاف نظرهای برخی از نمایندگان کنگره و رئیس جمهور در زمینه تعیین اولویتهای امنیتی^۲ در گزارشهای کنگره بازتاب داشته است. برخی از قانونگذاران آمریکایی معتقدند که امروزه تهدیدات امنیتی از جرائم داخلی تا زرادخانههای اتمی روسیه گسترده شده است و مسأله جرم، مواد مخدر و فروریختن نهادهای اساسی مانند خانواده و مدرسه از بزرگترین تهدیدات داخلی است. (۱۲)

در کنار تعبیر امنیت ملی، استفاده از اصطلاحاتی همچون منافع ملی، منافع حیاتی، ارزشهای اساسی^۳ یک دولت یا ملت در زمینههای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این نوع مباحث رواج دارد. (۱۳) این نوع تعابیر در واقع به قصد توضیح امنیت ملی و کاستن از ابهام آن به کار می رود و اگر چه تعابیر مذکور نیز به نوعی مبهم و کلی می باشند اما در حال با توجه به کثرت استعمال و ذکر مصادیق آن تا حدی مفید هستند. وزیر خارجه آمریکا برای نشان دادن اهمیت منافع حیاتی آمریکا و دفاع از آن چنین می گوید:

«اگر تهدیدی برای ما یا دیگران به وجود آید برای حفظ منافع خود ممکن است اقدامات مختلفی را انتخاب کنیم؛ از طریق سازمان ملل، ناتو، ائتلاف یا ترکیب آنها و یا به

1- Security Principles; National Principles

2- Security Priorities

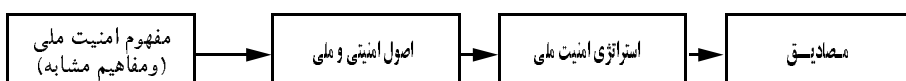
3- Core Values; Fundamental Values

تنهایی عمل کنیم، مهم آن است که به هر حال از منافع حیاتی ایالات متحده دفاع شود.» (۱۴)

در تعریف معمول منافع ملی نیز به سیاست و استراتژی امنیت ملی که برای بقای دولت حیاتی است توجه شده است. (۱۵)

ج) ابعاد ذهنی و عینی امنیت ملی

برداشت کلی که از مجموعه متون راجع به امنیت ملی قابل تحصیل است بر خصوصیات کلی بودن، ابهام، تغییر و تسامح در این مفهوم تأکید می‌کند. اما از نظر روش‌شناسی برای دستیابی به مباحث روشن‌تر در موضوع امنیت ملی و کاربردی کردن آن باید مراحل و مراتبی را طی کرد تا مفهوم مورد نظر خرد و در سطوح پایین‌تر به عینیت نزدیک گردد. به نظر می‌رسد تلاش نویسندگان و تصمیم‌سازان حوزه امنیت نیز در همین جهت بوده است. بیان اصول امنیتی و ملی، تبیین استراتژی امنیت ملی و تعیین مصادیق کلی تهدیدات امنیتی در نهادینه کردن این موضوع نقش مثبتی ایفا خواهد کرد.



اصول امنیتی و ملی، مدلها، رفتارها و راهنماهای نهادینه و بنیانی را ترسیم می‌کند که برای توصیف و شخصیت‌سازی یک ملت خاص لازم است. (۱۶) البته در بیان این اصول می‌توان به‌طور کلی اولویتهای امنیتی و ملی آن ملت و نظام سیاسی خاص را در سطح کلی تعیین کرد. اما در تبیین استراتژی امنیت ملی در مرحله پایین‌تر بین وسایل (امکانات) و اهداف توازن و تعادل برقرار می‌گردد (۱۷) و حتی ممکن است برای مدت خاصی شکل ویژه‌ای از تعادل تصویر شود.

شاید مهمترین سؤال در این بحث، شناخت ملاکهای تجزیه مفهوم امنیت ملی و معیارهای عرضه اصول ملی و امنیتی باشد. بدون شک برای دریافت این ملاکها، معیارهای فرهنگی و اجتماعی به معنای عام خود نقشی اساسی را ایفاء خواهند کرد. برخی از این ملاکها به صورت عرفی و نانوشته در فرهنگ جامعه وجود دارد و برخی نیز مدون و به صورت قوانین و مقررات مورد تأیید قرار گرفته است.

د) ملاحظات حقوقی

به نظر نگارنده با توجه به شرایط فرهنگی و با عنایت به نظام حقوقی داخلی، ملاکها و هنجارهای مدون؛ یعنی قوانین و مقررات، می‌تواند در توضیح و تفسیر مباحث امنیت ملی ج.ا.ا. مفید باشد و از طریق شناخت این معیارها تا حد قابل قبولی از ابهامات این بحث کاسته خواهد شد. برای این منظور برخی از مقدمات حقوقی به صورت کلی و فشرده ذکر می‌گردد و پس از آن نخستین گام در تبیین اصول امنیتی و ملی ج.ا.ا. و اولویت‌بندی آنها با توجه به ضوابط حقوقی برداشته خواهد شد:

۱- حقوق مجموعه‌ای از ضوابط و ملاکهاست که به قصد تنظیم روابط اجتماعی و برقراری نظم عمومی^۱ ایجاد شده است.

تعبیر نظم عمومی به طور کلی به معنای آرامش و امنیتی است که بین اعضای جامعه وجود دارد که معمولاً بر حالت نبود نقض صلح، جنگ، آشوب، مزاحمت یا رفتاری که سبب برهم خوردن نامتعادل زندگی آرام باشد اطلاق می‌گردد. (۱۸)

این تعبیر و برخی تعابیر مشابه مانند اخلاق حسنه^۲، همچون مفهوم امنیت از خصوصیت کلی بودن و سیالیت برخوردارند. اما در هر حال در کشورهای مختلف خصوصاً کشورهای دارای سیستم حقوقی نوشته^۳، قوانین و قواعد حقوقی از مهمترین معیارهای درک نظم عمومی می‌باشند.

۲- قاعده حقوقی^۴، قاعده‌ای الزام‌آور است که تخطی از آن خلاف نظم عمومی و رعایت آن لازم است. در حقوق، قوانین و مقرراتی وجود دارد که اصطلاحاً جنبه امری دارد. این نوع قواعد به شکل جدی با نظم عمومی جامعه درگیر است، برای مثال قوانین مربوط به جرائم و مجازاتها از این قبیل است. در مقابل، برخی از قوانین جنبه تفسیری و تکمیلی دارد. این قواعد بیشتر به تنظیم روابط خصوصی افراد ارتباط دارد و قانونگذار در عین دادن راه‌حلهای مشخص، به دلیل فاصله آنها از نظم عمومی اجازه توافقی برخلاف آن راه‌حلهای داده است، قواعد مربوط به قراردادهای و تعهدات خصوصی افراد به طور کلی از این قسم می‌باشند. بنابراین قواعد امری عموماً، معیارهای امنیت (به معنای عام آن) تلقی می‌شوند و نقض آنها را می‌توان نقض امنیت جامعه یا کشور دانست.

1- Public Order

2- Good Morals

3- Civil Law

4- Rule Of Law; Legal Rule

۳- ملاحظه دیگر در این بحث، شناخت طبقه‌بندی قواعد و قوانین است. قوانین از نظر اهمیت و نفوق نسبت به یکدیگر از درجات مختلفی برخوردارند. اصول قانون اساسی مهم‌ترین قواعد حقوقی و حاکم بر تمام مقررات می‌باشند و پس از آن به ترتیب قوانین عادی و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها از اهمیت نسبی برخوردار هستند. بنابراین به منزله یک اصل کلی می‌توان پذیرفت که قواعد امری در سلسله مراتب قوانین دارای شدت نسبی هستند و هرچه به نوک هرم این سلسله نزدیک می‌شویم قواعد امنیتی شدیدتر می‌گردند.

۴- در تفکیک بین قواعد مربوط به امنیت عمومی و امنیت ملی، شاید تقسیم قواعد به اعتبار موضوع قاعده و قانون معیار مناسبی باشد. قوانین مربوط به مبانی و ارکان حاکمیت و ارزشهای اساسی و بنیادی نظام سیاسی که به طور عمده در قانون اساسی بر آنها اشارت رفته است قواعد امری مرتبط با امنیت ملی تلقی می‌گردند و سایر قواعد همسو با امنیت عمومی دانسته می‌شوند. اخلال در قواعد نوع اول، امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد و مخدوش ساختن قواعد نوع دوم امنیت عمومی را متزلزل می‌سازد.



۵- رابطه حضور و ظهور عینی قواعد حاکمیت و ارزشهای اساسی پیش‌بینی شده در قانون اساسی در کشور با امنیت ملی و سایر قواعد امری با امنیت عمومی، رابطه‌ای مستقیم است؛ یعنی هرچه قواعد ذهنی و انتزاعی قانونی بیشتر در کشور و جامعه عینیت یابد در آن نظام سیاسی - اجتماعی خاص، امنیت بیشتری وجود دارد.

۶- براساس مطالبی که در گذشته در خصوص رابطه مفهوم، اصول، استراتژی و مصادیق بیان شد، باید شأن قانون اساسی هر کشور را القای کلیات و اصول اساسی دانست. البته این امر مانع از آن نیست که در قوانین عادی جزئیات، فروع و مصادیق آن اصول مطرح گردد؛ به طور مثال، «استقلال» از مهمترین اصول پذیرفته شده در قانون اساسی است که با امنیت ملی رابطه نزدیک دارد و جرائم مربوط به جاسوسی،

براندازی، توطئه علیه نظام و برخی مقررات مربوط به اتباع بیگانه در قوانین عادی پیش‌بینی شده است.

۷- همان‌گونه که گذشت، کلی بودن اصول و مفاهیم مورد بحث در مقام اجرا، احراز و شناخت مصادیق را با دشواری روبرو می‌کند. این مسأله در شناسایی روی دیگر سکه امنیت، یعنی تهدیدات بیش از پیش خودنمایی می‌کند، زیرا در عمل معمولاً مباحث امنیتی اعم از امنیت عمومی و ملی با نقطه مقابل خود؛ یعنی تهدید، محک می‌خورد. در این بخش، قواعد و مقررات حقوقی می‌تواند کارگشا باشد. یعنی بعد از اصول قانون اساسی، مقررات و قوانین پایین‌تر تا حد امکان حدود و ثغور مفاهیم کلی را روشن و شناخت مصادیق را تسهیل می‌کنند. در بسیاری از کشورها کمبود مقررات در حوزه امنیت ملی مشکلاتی را ایجاد کرده است. به باور برخی از نویسندگان تا قبل از سال ۱۹۴۷ و تصویب قانون امنیت ملی در آمریکا، هنوز مفهوم امنیت ملی نهادینه نشده بود. (۱۹) پس از این قانون نیز مجموعه‌های گوناگونی از مقررات و آیین‌نامه‌ها در تسیین اصطلاحات و حتی مصادیق امنیتی تصویب گردید که کمک مؤثری در رفع مشکلات بوده است. (۲۰)

وجود این نقایص باعث می‌گردد که علی‌رغم اجماع و توافق بر اصول کلی، در مراحل پایین‌تر، مصادیق، مورد اختلاف واقع شوند. البته یقیناً به دلیل اختلاف سطح دو لایه مفهوم (و حتی اصل) و مصداق، امکان رفع اختلاف مطلق وجود ندارد اما با تبیین بیشتر و قانونمند کردن موضوعات می‌توان به طور نسبی از بروز اختلاف کاست و فضا را شفاف‌تر کرد.

۸- پیچیدگی ارتباط مصادیق با اصول و مفاهیم در هر مورد که مفهوم مبهم‌تر و کلی‌تر باشد بیشتر است. امنیت ملی از مفاهیمی است که برای وصول به مصادیق خود یا به عکس مصادیق امنیتی (یا تهدیدات) برای وصول به مفهوم و اصول امنیتی از شبکه‌های پیچیده‌ای گذر می‌کنند. به طور مثال «اسلامی بودن» از اصول امنیتی و ملی نظام جمهوری اسلامی است و فقدان آن تهدید و ضد امنیت تلقی می‌گردد.

بدون شک مصادیق این تهدید (اسلامی نبودن یا ضداسلامی بودن) طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند که ممکن است فاصله دو سر طیف بسیار زیاد و با توجه به ملاحظات نوعی امنیتی در تطبیق مفهوم و اصل بر برخی مصادیق تردید وجود داشته باشد. همچنین ممکن است طیفهای دیگری به اعتبارات گوناگون در این زمینه وجود

داشته باشد که مجموعاً شبکه پیچیده‌ای از روابط را ایجاد کند. برای نمونه در مثال فوق ممکن است طیفها و روابط ساده زیر در نظر گرفته شود:

اعتبار	طیف
مرحله اقدام ضد امنیتی	مرحله انتشار عمومی → مرحله نوشتن → مرحله بیان → مرحله اندیشه (مطالب ضد اسلام)
اقدام کننده	سازمان و تشکیلات → افراد → فرد
تابعیت	(نوع کشور) بیگانه → تبعه
انگیزه	تبلیغ → بیان مسایل علمی → تبیین مسایل علمی و رفع شبهات
شرایط و اوضاع و احوال	(حکومت نظامی، جنگ و...) غیر عادی → عادی

هر یک از خانه‌های فوق می‌تواند معارض اصل «اسلامی بودن» تلقی شود اما آیا تک تک آنها یا جمع برخی از آنها امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد یا خیر؟ برای تشخیص این امر همان‌گونه که بیان شد یا باید مقررات دقیق‌تر شوند - که این راه حل از منظر حقوق ایران منطقی‌تر به نظر می‌رسد - و یا بر اساس دیدگاههای برخی نظامهای حقوقی روبه‌ها و ارتکازات حقوقی شفاف‌تر گردد. در هر حال گریزی از مقید کردن مفاهیم کلی در حد امکان وجود ندارد. البته همان‌گونه که بیان شد این بحث بر ملاحظات حقوقی تأکید دارد و به معنای نفی سایر ملاکهای سیاسی و اجتماعی نیست.

ح) تحدید حقوقی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

به هر حال صرف نظر از تعاریف کلی امنیت ملی که به تمامیت ارضی، حاکمیت و آزادی عمل بین‌المللی (۲۱) یا دفاع ملی و روابط خارجی (۲۲) اشاره کرده‌اند و همچنین آنچه که به طور خاص در کشورهای مختلف مطرح شده است و بخشی از آن از نظر گذشت، قدم اول در تحدید حقوقی امنیت ملی، شناخت اصول کلی مرتبط با امنیت ملی است و با توجه به اصول قانون اساسی ج.ا.ا. می‌توان اصول کلی زیر را با اولویت استخراج کرد. شناخت این اصول و اولویت بندی آنها با عنایت به تأکیدهای کمی و محتوایی اصول قانون اساسی قابل درک است. البته در اولویت بندی این اصول احتمالاً می‌توان تا حدی تغییر ایجاد کرد و شاید تأمل بیشتر در این زمینه مفید باشد. به طور کلی اصول ملی و امنیتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را با توجه به موضوع مقاله

حاضر می‌توان به شرح ذی‌دسته‌بندی کرد:

اول) اسلامی و شیعه اثناعشری بودن

مستندات: اصول ۲، ۴، ۱۲، ۷۲، ۸۵، ۹۱، ۹۴، ۱۰۵، ۱۷۰، ۱۷۷.

نهادهای سیاست‌گذار عالی و ناظر بر این اصل عبارتند از:

یک/الف - ولایت فقیه:

مستندات: مقدمه شیوه حکومت در اسلام، مقدمه ولایت فقیه عادل

اصول: ۵، ۵۷، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۳۰، ۱۷۷

دو/الف - شورای نگهبان:

مستندات: مقدمه شیوه حکومت در اسلام.

اصول: ۴، ۷۲، ۸۵، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۹.

دوم) کرامت و ارزش انسانها، جمهوری بودن، اتکاء به آراء عمومی

مستندات: مقدمه شیوه حکومت در اسلام.

اصول: ۲، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۲۷، ۵۶، ۵۹، ۱۰۰، ۱۷۵، ۱۷۷.

سوم) استقلال - تمامیت ارضی - حفظ ارکان حاکمیت و نیروهای مسلح

مستندات: اصول ۲، ۹، ۵۷، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۱۰۰، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۲،

۱۵۳، ۱۷۶. اصول مربوط به سه قوه.

چهارم) وحدت ملی و همبستگی ملی

مستندات: اصول ۲، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۰۰.

پنجم) قسط و عدل، تساوی حقوق، رشد اقتصادی و فنون

مستندات: اصول ۲، ۱۹، ۲۰، ۴۴، ۱۴۲، ۱۷۵.

ششم) تشکیل امت واحد جهانی، حمایت از مستضعفان

مستندات: مقدمه شیوه حکومت در اسلام، اصول ۱۱، ۱۵۲، ۱۵۴.

هفتم) حفظ بنیان خانواده

مستندات: مقدمه زن در قانون اساسی، اصل ۱۰.

هشتم) محیط زیست

مستندات: اصل ۵۰.

البته همان‌گونه که بیان شد ممکن است با توجه به تحلیل و تفسیر اصول قانون اساسی در برخی از اولویت‌بندی‌های فوق‌جای بحث وجود داشته باشد اما غرض اصلی در این قسمت تبیین موضوع از جهت روش‌شناسی است و دقت در تفسیر و استنباط از اصول فوق‌می‌باید در محل دیگری مورد توجه قرار گیرد.

یادداشتها

- 1- **Congressional Quarterly**, weekly Report, Defining the National Interest: A Process of trial and error, March 26, 1994, Vol. 52, Issue 12.
- 2- Jordan, Amos A. , William J.Taylor, Jr. Lawrence J.Korb, **American National Security: Policy and Process**, 3rd ed., Hopkins University Press, Baltimore and London, 1989, p. 3.
- 3- Sarke Sian Sam C. & John Mead Flanagan, **U.S. Domestic and National Security Agendas: into the Twenty First Century**, Green Wood Press, U.S.A, 1994, p. 16.
- 4- Ibid, p. 18: See: Nye Joseph S , Jr., Soft Power, **Foreign Policy**, Vol. 80, Fall 1990, pp. 151 - 171.
- 5- Christopher Warren, The U.S.- China Relationship: The Right Balance, **Dispatch**, March 28, 1994, Vol. 5, Issue 13.
- 6- Job Brain L , **The Insecurity Dilemma: National Security of Third World States**, Lynne Rienner Publishers, U.S.A., 1992, p. 51.
- 7- Jordan Amos A , op.cit. p. 3.
- 8- Job Brian L , op.cit. p. 18.
- 9- Sardesian Sam C , op.cit. p. 9.
- 10- Jordan Amos A , op.cit. p. 4.
- 11- Kenneth Jost , **Foreign Policy and Public Opinion**, CA Researcher, 7/15/94, Vol. 4, Issue 26.
- 12- Congressional Quarterly, Weekly Report. op.cit.
- 13- Singh Jaswant , **National Security, An Outline of Our Concerns**, Lancer

Publishers, New Delhi - London, 1996, p. 19.

14- Albright Madeleine K , American And The League of Nations: Lessons For Today, **Dispatch**, April 4, 1994, Vol. 5, Issue 14.

15- Watson Bruce W , Susan M. Watson, Gerald W. Hoppole, **United States Intelligence: An Encyclopedia**, Garland Publishing, INC., New York & London, 1998; "National Interest."

16- Ibid., "National Principles.

17- Sardesian Sam C , op.cit. p. X.

18- Walker David M , **The Oxford Companion to Law**, Clarendon Press, Oxford, 1980, "Public Order".

19- Graebner Norman A , **The National Security: Its Theory and Practice**,1945-1960, Oxford University, New York , Oxford, 1986, p. 39.

20- See: Watson Bruce W. , op.cit, Appendixes.

21- Ibid., "National Security".

22- Excecutive Order 12356, April 1, 1982, National Security information, Part 6/Sec. 6./-e, See: Ibid., Appendixes.

